

تحلیل تطبیقی آراء اندیشمندان مسلمان در مهندسی مالی اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۶/۱۷

زینب وثوقی *

محمد واعظ برازانی **

حجت اله عبدالملکی ***

چکیده

با توجه به تحولات دانش اقتصاد بخصوص در حوزه مالی متخصصان حوزه مالی برای همسو شدن با این تحولات و پیشرفت‌ها در دهه‌های اخیر دانش مهندسی مالی را ایجاد کردند که طراحی ابزارهای جدید در حوزه مالی و مدیریت ریسک این ابزارها را بر عهده داشت، دانش اقتصاد اسلامی نیز جهت تعامل با این تحولات، شاخه‌ای از اقتصاد مالی اسلامی به عنوان مهندسی مالی اسلامی را ایجاد کرد، مهندسی مالی اسلامی در طراحی ابزارها علاوه بر توجه به حداکثر کارایی، اصل اباحه عامه را برای تطابق ابزارها با شریعت اسلام لحاظ می‌کنند که از جمله مهم‌ترین ابزارها که طراحی شده و مقبولیت بالایی از طرف سرمایه‌گذاران مسلمان داشته صکوک و انواع آن می‌باشد. در این مقاله سعی می‌کنیم ضمن معرفی و تبیین ضرورت دانش مهندسی مالی، ابزارهای طراحی شده در این علم را به تفصیل توضیح دهیم و نوعی تحلیل تطبیقی بین مهندسی مالی متعارف و نوع اسلامی آن انجام داده و دیدگاه‌های فقهی در مورد مهندسی مالی متعارف و ابزارهایش را معرفی نماییم و در صورت امکان ابزارهای طراحی شده توسط مهندسان مالی اسلامی را که روز به روز در حال گسترش می‌باشند را بیان کنیم.

واژگان کلیدی

دانش مهندسی مالی، مهندسی مالی اسلامی، صکوک، اصل اباحه عامه

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

vosughizeinab@yahoo.com

mo.vaes1340@gmail.com

dr.h.abdolmaleki@gmail.com

** دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان

*** استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)

مقدمه

سرعت و شتاب تغییرات در مدیریت مالی شرکت‌های سهامی، مدیریت مالی بانک‌ها، مدیریت مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر به تولد رشته مهندسی مالی انجامیده است. با الغای بهره در اقتصاد اسلامی، بسیاری از ابزارهای طراحی شده اقتصاد متعارف به‌طور طبیعی دیگر کاربرد نداشتند. پس اندیشمندان اسلامی ضرورت ارائه الگوی مهندسی مالی اسلامی را احساس کردند.

اگرچه از تولد مهندسی مالی اسلامی زمان زیادی نمی‌گذرد ولی با تلاش‌های اندیشمندان اسلامی پیشرفت‌های زیادی داشته است. از جمله مطالعاتی که در این حوزه انجام شده، عبارتند از عبیداله (۲۰۰۵م). در کتاب «مهندسی مالی اسلامی»، ضمن معرفی این دانش، ابزارهای جدید طراحی شده را نیز معرفی می‌کند. اقبال و خان (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان «مهندسی مالی و قراردادهای اسلامی» به بررسی مهندسی مالی و مدیریت ریسک در مالیه اسلامی می‌پردازند و برخی از قراردادهای، ابزارهای مشتقه، اختیارات، شرایط عقد قراردادهای مالی و نحوه تأمین مالی از طریق آن‌ها را مبتنی بر آموزه‌های فقهی اهل سنت تبیین نموده‌اند. راعی و سعیدی (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان «مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک» به‌صورت اجمالی در مورد ریسک که مدیریت آن از مهم‌ترین اهداف دانش مهندسی مالی می‌باشد سخن گفته‌اند و در نهایت به معرفی محصولات مالی و ابزارهای مهندسی مالی و فرآیند طراحی آن‌ها پرداخته‌اند. واعظ و دلالی اصفهانی و آل بوسلیم (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «مهندسی نظام تأمین مالی اسلامی» ضرورت ارائه مهندسی نظام تأمین مالی برگرفته از تعالیم اسلام را اثبات نموده‌اند و سپس در چارچوب روش استدلالی ضوابط مبنایی مورد توجه جهت ارائه مهندسی مالی اسلامی و تأمین مشروعیت ابزارها و نهادهایش را بیان کرده‌اند. هدفی که در این پژوهش به دنبال آن هستیم مقایسه مهندسی مالی متعارف و اسلامی با یکدیگر و معرفی ابزارهای مالی جدید اسلامی، جهت تسهیل فرایند تأمین مالی در بازارهای مالی است.

۱. مروری بر مفاهیم و مبانی مهندسی مالی در ادبیات اقتصادی متعارف

۱-۱. تعریف و خاستگاه مهندسی مالی

در خصوص مهندسی مالی، تعاریف مختلفی ارائه شده است از جمله اینکه مهندسی مالی شامل طراحی، توسعه و اجرا و پیاده‌سازی ابزارهای مالی و فرایندهای نوآورانه و تدوین راه‌حل‌های خلاقانه برای مشکلات امور مالی است و موضوع آن کاهش هزینه‌های معامله و دستیابی به بازده بالاتر است (Suwailam, 2007, p.54) که در دیدگاه متعارف، اغلب بر طراحی قراردادهای مالی جدید برای مدیریت ریسک اطلاق دارد؛ جهت توسعه و تطابق بیشتر بین نیازهای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران که منجر به افزایش بهره‌وری از سیستم مالی می‌شود (Obaidullah, 1998, p.73) و اما تعریفی که انجمن بین‌المللی مهندسان مالی ذکر نموده را می‌توان تعریف جامعی برای آن دانست که عبارت است از توسعه و بکارگیری خلاقانه فناوری مالی برای حل مسائل مالی و استفاده از فرصت‌های مالی. مهندسی مالی فرآیندی است که توسط افراد خبره مالی انجام می‌گیرد و «نوآوری» مشخصه اصلی این فرآیند می‌باشد (راعی و سعیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۱) و پایه و اساس دانش مهندسی مالی، اقتصاد مالی یا کاربرد اصول اقتصاد در پویایی بازار اوراق بهادار، به‌خصوص طراحی، قیمت‌گذاری و مدیریت ریسک قراردادهای مالی است (شایان آرانی، ۱۳۷۹، ص ۱). اصطلاح مهندسی مالی، اولین بار در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط بانک‌های لندن مورد استفاده قرار گرفت که مراد از آن، رهیافت جدید این بانک‌ها در مدیریت ریسک بود. با توجه به اینکه در این رهیافت، تحلیل‌گران نقشه‌ای از ریسک‌های پیش روی بنگاه را ترسیم می‌کنند و سپس از ابزارهای خاص با مقادیر خاص برای نیازهای خاص بنگاه مورد نظر استفاده می‌کنند، عنوان «مهندسی» بر آن نهادند (عبدالملکی، ۱۳۸۸، ص ۹).

۲-۱. حوزه‌های فعالیت مهندسی مالی

با وجود اینکه دانش مهندسی مالی از جوان‌ترین دانش‌ها است اما توانسته با استفاده از علوم دیگر مانند ریاضیات، آمار، امور رایانه‌ای و ... دستاوردهای زیادی داشته و در

حوزه‌های مختلفی فعالیت‌های چشمگیری داشته باشد که این حوزه‌ها عبارتند از: طراحی، توسعه و ابداع در حوزه‌های مالی، تغییر عقاید کهنه مالی و تبدیل آن‌ها به عقاید نو (فرایندهای مبتکرانه مالی)، ترکیب مدل‌ها و ابزارهای مالی به منظور پدید آوردن مدل‌ها و ابزارهای جدید برای مشکلات شرکت‌ها (جوادی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

۳-۱. فرآیندهای طراحی ابزارها و ارائه محصولات جدید

همانطور که قبلاً نیز بیان شد ارائه محصولات جدید بر اساس نیازهای مشتریان و سفارشات، یا شرایط اقتصادی و ریسک‌های موجود منجر به طراحی محصولات جدید خواهد شد. ارائه محصولات جدید نیاز به طراحی مناسب و فرآیندی دقیق و هماهنگ دارد (راعی و سعیدی، ۱۳۹۱، صص ۱۶۵-۱۶۶) که در چهار مرحله صورت می‌گیرد:

۱-۳-۱. جهت‌گیری

اولین مرحله، تعیین دیدگاه مدیران ارشد شرکت نسبت به این محصولات است. مدیریت باید راهبرد و استراتژی‌هایی که بر مبنای آن قصد انتشار چنین ابزارهایی را دارد روشن نماید (بقایی حسین‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۸).

۲-۳-۱. طراحی

دومین مرحله، طراحی ابزارهای جدید است که شامل طراحی و تست مفهومی انتشار و عرضه آن‌ها، تحلیل بازار، طراحی ویژگی‌های این ابزارها، طراحی برنامه بازاریابی شامل یافتن طبقه خاصی از بازار برای عرضه آن‌ها، روش عرضه به بازار، سیستم‌های تشویقی برای خرید آن‌ها و آموزش پرسنل شرکت در ارتباط با محصول مالی جدید است (بقایی حسین‌آبادی، ۱۳۷۸، ص ۸).

۳-۳-۱. آزمایش محصول جدید

هدف از آزمایش محصول جدید، بررسی مقبولیت محصول جدید نزد مشتریان و همچنین سنجش واکنش بازار نسبت به این محصول است نتیجه این آزمون، بررسی

تحلیل تطبیقی آراء اندیشمندان مسلمان در مهندسی مالی اسلامی ۱۶۳

مجدد مراحل و تغییرات ناگهانی در محصول جدید به منظور آماده شدن برای عرضه نهایی خواهد بود (راعی و سعیدی، ۱۳۹۱، صص ۱۷۰-۱۷۱).

۱-۳-۴. معرفی محصول جدید

در آخرین مرحله مهندسی مالی با استفاده از روش‌های مختلف ابزارهای مالی جدید را به بازار معرفی و مزایا و فرصت‌های ایجاد شده به وسیله آنرا تشریح می‌کنند همچنین به علت عملی بودن این مرحله، مهندسی مالی فرصت‌های مناسبی برای ارزیابی این ابزارها پیدا می‌کنند (بقایی حسین‌آبادی، ۱۳۷۸، ص ۸).

۱-۴. ابزارهای مهندسی مالی متعارف

رشته مهندسی مالی مانند سایر رشته‌های مهندسی، به ابزار نیاز دارد؛ این ابزارها به دو بخش مفهومی و فیزیکی تقسیم‌بندی می‌شوند. در ابزار مفهومی، امور مالی به مثابه یک سیستم در نظر گرفته می‌شود بسیاری از ابزارهای مفهومی بخشی از مدیریت مالی جدید به شمار می‌روند و بسیاری دیگر برای مطالعات سیستماتیک مهندسی مالی به کار می‌روند و ابزارهای فیزیکی شامل ابزارها و فرآیندهایی هستند که می‌توانند برخی از اهداف خاص را با یکدیگر پیوند دهند (جوادپور، ۱۳۷۹، ص ۳۳). در ادامه مطلب به توضیح این ابزارها می‌پردازیم.

۱-۴-۱. ابزارهای مفهومی

ابزارهای مهندسی مالی به سه دسته ابزارهای سهم محور، ابزارهای بدهی محور و ابزارهای بیمه محور تقسیم می‌شوند که از این سه قسم، ابزارهای بیمه محور که بیشتر مبتنی بر مدیریت ریسک هستند در مهندسی مالی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این قسمت نیز به صورت مختصر درباره هر یک از آنها توضیح داده شده است.

۱-۴-۲. ابزارهای سهم محور

متداولترین نوع این ابزارها سهام عادی شرکتها می باشد و تمامی قراردادهای روی سهام عادی در این طبقه بندی جای می گیرند (راعی و سعیدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲؛ واعظ و دلالی و آل بوسویلم، ۱۳۸۸).

۱-۴-۳. ابزارهای بدهی محور

نشان دهنده وامی است که صاحبان سازمان از اشخاص حقیقی یا حقوقی می گیرند؛ همانند وام های عادی و اوراق قرضه که خود شامل اوراق بهادار با درآمد ثابت (اوراق قرضه) و اوراق بهادار با درآمد متغیر (اوراق مشارکت) است (اکبریان و دیانتی، ۱۳۸۵).

۱-۴-۴. ابزارهای بیمه محور (قراردادی)

۱-۴-۴-۱. پیمان آتی

دو طرف قرارداد تعهد می کنند که در آینده در تاریخ معلوم، معامله ای را در قیمت مشخص شده در قرارداد با هم انجام دهند (عصمت پاشا، ۱۳۸۲، ص ۲). پیمان های آتی سابقه طولانی دارند و به اعتقاد برخی، سابقه آن به حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) برمی گردد. مهم ترین ویژگی های اینها عبارتند از اینکه این قراردادها رسمی نبوده و در بازار ثانویه قابلیت خرید و فروش ندارد، ریسک ناشی از عدم انجام تعهد طرفین قرارداد وجود دارد، در اینگونه قراردادها، واسطه ای در کار نیست و هیچگونه مبلغی به عنوان تضمین سپرده نمی شود. اینگونه قراردادها منجر به تحویل فیزیکی می گردد و طول عمر قراردادها از تاریخ انعقاد تا سررسید است (مرادی، ۱۳۸۶، ص ۸).

۱-۴-۴-۲. قرارداد آتی

قرارداد آتی مانند پیمان آتی توافقنامه ای بین دو بخش برای خرید یا فروش یک دارایی در زمان معینی و به قیمت معین می باشد و می توان گفت که شکل استاندارد شده پیمان آتی است که در آن هیچ ضرورتی نیست که طرفین قرارداد یکدیگر را بشناسند فقط باید ضمانتی باشد تا قرارداد معتبر شود (Hull, 1993, pp.3-21).

۱-۴-۳. قرارداد اختیار معامله

اختیار معامله یکی از ابزارهای مهم در مهندسی مالی است که مهندسان مالی اغلب از آن‌ها در طراحی قراردادهای جدید یا توسعه استراتژی‌های نوآورانه و ارائه راه‌حل برای مشکلات مالی مانند مدیریت ریسک استفاده می‌کند که دلالت بر نوعی حق بدون تعهد دارد. پس می‌توان آنرا اینگونه تعریف کرد که این قرارداد شامل حقی برای خرید یا فروش یک دارایی اساسی در قیمت قید شده در قرارداد در طول یا پایان یک دوره مشخص است که دارایی‌های اساسی ممکن است شامل کالای یافت شده در طبیعت یا دارایی مالی باشد مانند سهام، اوراق قرضه، ارز یا شاخص‌های مختلف بازار (Obaidullah, 1998, p.74).

۲. مهندسی مالی اسلامی در اندیشه دانشمندان اسلامی، مبانی و فرآیندها

۱-۲. تعریف و ضرورت توسعه دانش مهندسی مالی اسلامی

مهندسی مالی اسلامی عبارت است از طراحی و توسعه و کاربردسازی ابزارها و رویه‌های نوین که مطابق با معیارهای دین مبین اسلام باشد (Obaidullah, 2005, p.175). از آن جایی که دین اسلام، دینی جامع است و تمام ابعاد زندگی بشری را در برمی‌گیرد، در مسائل اقتصادی نیز کوتاهی نکرده و از زمان رسول اکرم (ص) سعی شده مسائل روز اقتصادی، متناسب با مقتضیات زمانی بیان شود. مهندسی مالی اسلامی دانشی است که به طراحی ابزارهای مالی در چارچوب ضوابط اقتصاد اسلامی می‌پردازد و از همین جهت حائز اهمیت است. این اهمیت بعد از علم به ربوبی بودن بسیاری از ابزارهای مالی متعارف بیشتر روشن می‌شود.

۲-۲. منتقدان طرح بحث مهندسی مالی اسلامی

با توجه به نوظهور بودن دانش مهندسی مالی اسلامی، نقد قابل قبولی در مورد اصل نظریه شکل‌گیری این دانش بیان نشده است اما در مورد جزئیات دانش مهندسی مالی اسلامی، مخصوصاً محصولات و عقود جدید طراحی شده توسط آن بحث‌های بسیاری

شده است و انتقادات وارده تا حدودی پاسخ داده شده است. در جدول‌های ۲ و ۳ نمایی از اختلاف نظرها در خصوص مهندسی مالی اسلامی ارائه شده است.

جدول ۲. نظرات موافقین طراحی ابزارهای جدید درباره مبانی و فرآیندهای طراحی

ابزارها

دیدگاه‌ها	علاوه بر اینکه به امضایی بودن عقود قائل هستند معتقدند شارع با اطلاقات و عمومات به صحت معامله حکم می‌کند.
افراد تاثیرگذار	سید کاظم حائری، شیخ‌انصاری، نائینی، خوانساری، امام خمینی(ره)، صاحب مصباح الفقه، صاحب عناوین الفقیه، صاحب مناهل
استدلالات	الف. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (مائده: ۱) ب. «...وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۱۷) ج. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ...» (نساء: ۲۹) د. المسلمون او المومنون عند شروطهم ه. الناس مسلطون على اموالهم
مبنای اختلاف نظرها	الف. اعتقاد به اصالت آزادی عمل مکلفین در معاملات اقتصادی؛ ب. اعتقاد به امکان استفاده از الگوهای اقتصادی متعارف، به شرط توافق طرفین و فقدان مانع شرعی؛ ج. اعتقاد به حجیت عرف، به شرط عدم تعارض با تصریحات شرعی؛

همانگونه که در تعریف مهندسی مالی اسلامی بیان شد هدف اصلی این دانش طراحی ابزارهای جدیدی است که در عین برخورداری از حداکثر کارایی باید با موازین شریعت نیز مطابقت داشته باشند. دلایلی که منتقدین مهندسی مالی اسلامی بیان می‌کنند به عدم مشروعیت عقود جدید طراحی شده مربوط می‌شود. با مطالعه کتب فقهی ارائه شده توسط صاحب‌نظران این نتیجه حاصل شده که اختلاف در مشروعیت عقود جدید و غیرمعین به تأسیسی یا امضایی بودن الفاظ معامله‌ها و کیفیت و مقدار دلالت عمومات و اطلاقات این باب بستگی دارد. مخالفان طراحی ابزارهای جدید به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند؛ گروهی مانند صاحب جواهر، قائل به تأسیسی بودن عقود هستند،

گروه دوم مانند صاحبان مسالک و ... قائلان به توقیفی بودن عقود هستند و اعتقاد دارند هیچ دلیلی بر صحت عقود غیرمعین وجود ندارد و اصل اولی فساد را بر آنها حاکم می‌دانند. این گروه بر این باورند چنانچه در صحت معامله‌ای شک داشته باشیم، اثر مطلوب بر آن بار نمی‌شود و گروه سوم شامل علامه، میرزای قمی و ... نیز عقود متداول در عصر شارع که توسط آنها امضا شده را قبول دارند و عقود جدید بعد از عصر امامان را غیر شرعی می‌دانند و بیان می‌کنند که حکم به صحت به تأیید و امضای شرع نیاز دارد (سلیمان‌پور، ۱۳۸۲، ص ۳).

جدول ۳. اختلاف نظرها درباره مبانی و فرآیندهای طراحی ابزارها، مخالفین طراحی ابزارهای جدید

دیدگاه‌ها	افراد تأثیرگذار	استدلالات	مبانی اختلاف نظرها
اعتقاد به عدم ورود دلیل بر صحت عقود جدید دارند و اصل فساد را بر آنها حاکم می‌دانند.	صاحب مسالک، ارشاد، قواعد، ریاض، غنیه و بیشتر قدما	- عمل و سیره ائمه و مسلمین - اصل عدم و حمل عمومات عقود بر معاملات معهود و شناخته شده در آیه (اوفو بالعقود) عام نیست و عقود در آیه حمل بر جنس عقود متداول در زمان شارع که اکنون در کتب فقها دسته بندی شد مانند بیع وکالت، اجاره و... که ماهیت آنها معلوم است، می‌شود و نیز اجماع منقول.	الف. اعتقاد به اصالت محدودیت عمل و عدم آزادی برای انسان؛ ب. اعتقاد به عدم مداخلت نیازها: نیازهای بشری را از طریق عقود و معامله‌های زمان شارع می‌توان برطرف ساخت.
با اینکه قائل به امضایی بودند عقود هستند ولی فقط عقود متداول در عصر شارع را قبول دارند.	علامه، میرزای قمی، ملا احمد نراقی، صاحب ریاض، صاحب حاشیه و صاحب مفتاح الکرامه		
آن دسته از فقیهان که به تأسیسی بودن عقود قائل هستند	صاحب جواهر		

در مقابل موافقان طراحی ابزارهای جدید مانند سید کاظم یزدی، شیخ انصاری و ... و بیشتر فقهای متأخر معتقدند که شارع با اطلاقات عمومات در این موارد می‌تواند

به صحت معامله حکم کند و فرقی بین معاملات رایج در صدر اسلام و معاملات جدید نیست (معصومی نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵؛ سلیمان پور، ۱۳۸۲، ص ۴).

در مقابل افرادی که عقود جدید را به خاطر مسائل شرعی قبول ندارند باید گفت که مطابق تعالیم اسلام به ویژه آیات متعددی از قرآن، دین اسلام دین جهان شمول و برای همه انسان‌هاست و از منظر گستره آموزه‌ها، کامل‌ترین ادیان و پیامبرش خاتم النبیین (ص) است و مسئولیت هدایت بشر در عرصه‌های مختلف زندگی و رساندن او به کمال مقصود را به عهده دارد؛ بر این اساس انتظار می‌رود که در عرصه مسائل اقتصادی نیز همراه با پیشرفت علم و تکنولوژی راهکارهای مناسب به خصوص در زمینه شناسایی موضع اسلام در مقابل معاملات و ابزارهای جدید اقتصادی ارائه شود (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۶۳). با اندکی تأمل مشاهده می‌کنیم نه تنها دین اسلام مسلمانان را در قراردادهای عصر رسالت محصور نکرده بلکه اندیشمندان را به تفکر و تأمل فرامی‌خواند تا به طراحی و ارائه ابزارهای جدید متناسب با نیازهای جامعه بپردازند.

۲-۳. ضوابط طراحی ابزارها در مهندسی مالی اسلامی

امروزه نظام مالی - اسلامی بیشتر بر اساس قراردادهای سستی عمل می‌کند، گرچه این‌ها ابزاری مناسب برای این نظام هستند ولی با توجه به گسترده شدن و رقابتی شدن بازارها، ایجاد یک مهندسی مالی اسلامی ضروری است تا بتواند با بررسی نیازها، ابزارها و خدمات جدید مالی ایجاد کند لذا مجموعه‌ای مبانی و اصول وجود دارد که این فرآیندها را تسریع و کارایی را افزایش می‌دهند که یکی از این اساسی‌ترین اصول، اصل اباحه عامه است که عبارت است از جواز عقلی تصرف در اشیاء قبل از ورود حکم شرعی، که مقابل اصل حذر بوده و به معنای حکم اولی عقل به جواز تصرف در اشیاء، با قطع نظر از وجود شرع و حکم شارع نسبت به آن‌ها، می‌باشد (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، بی‌تا، صص ۵۰۹-۵۱۰). عده‌ای اصل اباحه و اصل برائت را یکی می‌دانند در حالی که با بررسی این دو متوجه می‌شویم نه تنها یکی نیستند بلکه تفاوت‌های قابل توجهی دارند. برائت در مواردی اعمال می‌شود که ما در حکم و

تکلیف شک می‌کنیم یعنی احتمال می‌دهیم حکم از سوی شارع صادر شده ولی به عللی به ما نرسیده است در حالی که در اصل اباحه بدون ورود حکم شرعی جواز تصرف در اشیاء داده شده است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، بی‌تا، صص ۵۱۴-۵۱۵؛ مرقاتی، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

همانگونه که قبلاً گفتیم در مهندسی مالی اسلامی قاعده اصلی، اصل اباحه عامه است که بر اساس آن، در ارتباط با معاملات، همه چیز مجاز است، مگر آنچه که توسط منابع شرع، به صورت صریح منع شده باشد (اقبال و خان، ۱۳۹۱، ص ۱۷). در ارزیابی ابزارها و فرآیندهای مالی، مهندسی مالی اسلامی اقدام به معرفی اصول و قواعدی می‌نماید که توجه به آنها در جهت حفظ ماهیت اسلامی این ابزارها و فرآیندها ضروری است و در صورتی که قراردادهای مالی با اصول و قواعد مذکور تعارض نداشته باشند، قرارداد مذکور به لحاظ شرعی مجاز خواهد بود (عبدالملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۲). مبانی و ضوابط طراحی ابزارها عبارتند از:

۲-۳-۱. اصل اباحه عامه

در مهندسی مالی اسلامی قاعده اصلی، اصل اباحه عامه است که بر اساس آن، در ارتباط با معاملات، همه چیز مجاز است، مگر آنچه که توسط منابع شرع، به صورت صریح منع شده باشد پس مجموعه‌ای اصول محدودکننده برای قاعده اباحه عامه در طراحی ابزارها وجود دارد که در ادامه آمده است.

۲-۳-۲. حرمت اکل مال به باطل

مستند اصلی فقها در ضابطه اکل مال به باطل، آیاتی از قرآن کریم است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ» (نساء: ۲۹).

۲-۳-۳. حرمت ربا

حرمت ربا امری ثابت شده از سوی قرآن کریم و سنت معصومین (ع) و اجماع مسلمین است به حدی که بعید نیست حرمت ربا از ضروریات دین اسلام باشد.

۲-۳-۴. نفی غرر

مفهوم غرر، به طور کلی، به دو روش توسط فقهای اسلامی تعریف شده است: یکی غرر به معنای نامطمئنی و دیگری غرر در معنای فریب و خدعه. قرآن به صراحت همه معاملات تجاری را که به هر شکلی منجر به بی‌عدالتی و اجحاف در حق طرفین می‌شوند، ممنوع کرده است (Obaidullah, 2005, p.29). پس در طراحی ابزارها باید مسأله شفاف بودن معامله و نتیجه آن مورد توجه قرار بگیرد.

۲-۳-۵. نفی ضرر

بر اساس تعالیم اسلامی، در معاملات نباید هیچ یک از طرفین زیان ببینند. صحاح اللغه ضرر را خلاف نفع معنا کرده است و در مفردات راغب ضرر به سوء حال تفسیر شده است. امام خمینی (ره) نیز «ضرر را ضد نفع و مقابل نفع» معنا کرده است. اما در مجموع می‌توان گفت که کلمه ضرر بیشتر در مورد نفس و مال استفاده می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۱، صص ۱۴۲-۱۴۳). از لحاظ مدرک و سند مهم‌ترین دلیل بر حجیت این قاعده عقل است و علاوه بر آن ادله دیگری از کتاب و سنت نیز وجود دارد (شهابی، ۱۳۴۱، صص ۷۷-۷۹).

۲-۳-۶. قاعده اصاله اللزوم

لزوم در لغت به معنای بایستن است و در فقه و حقوق در برابر جواز قرار دارد (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۶). در باب عقود شامل معاملات، معاوضات و معاهدات، اصل اولیه لزوم است نخستین کسی که به این قاعده استدلال نمود مرحوم علامه حلی بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ص ۲۴۳).

۲-۳-۷. قاعده العقود تابعه للقصد

آیت‌الله مکارم شیرازی برای این قاعده سه معنی ذکر کرده است: اولاً، همچنان که در شرایط عقد وجود دارد عقد بدون قصد تحقق پیدا نمی‌کند یعنی عقد کسی که خوابیده یا مست است یا... صحیح نیست چون قصدی ندارد، ثانیاً عقد تابع قصد است یعنی نیازمند ایجاب و قبول، عوض و معوض و سایر ارکان عقد است تا تحقق پیدا کند و ثالثاً معنای سوم که صحیح‌تر است اینکه بعد از اینکه قصد عقدی انجام شد آن عقد در خارج تحقق پیدا می‌کند، مثلاً قصد نکاح می‌کند و نکاح واقع می‌شود یا قصد می‌کند تا عاریه بگیرد و عاریه می‌گیرد و ... (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۳۶۹-۳۷۰). همچنین آمده که (قصد در تحقق عقد) مؤثر است یعنی قصد عقد را به وجود می‌آورد و نبود قصد باعث بطلان عقد می‌شود و به تعبیر دیگر معنای این قاعده این است که عقد وجوداً و عدماً تابع قصد است (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۳۰۱).

۲-۴. فرآیند طراحی ابزارها در مهندسی مالی اسلامی

با توجه به ضوابطی که در طراحی ابزارها مطرح شد فرآیند طراحی ابزارها در مهندسی مالی متعارف با فرآیند آن در مهندسی مالی اسلامی تفاوت‌های قابل توجهی خواهد داشت چون ابزارهای طراحی شده علاوه بر اینکه باید از جهت ریسک، بازدهی و نقدینگی مقبولیت داشته باشند باید اصول مذکور نیز در فرآیندهای مهندسی مالی متعارف گنجانده شوند. پس با توجه به اصل اباحه عامه و اصول منع‌کننده در طراحی ابزارها، مراحل مهندسی مالی اسلامی به شرح ذیل خواهد بود: ۱. تعیین نیاز بازار (یا مشتری)، ۲. تعیین خصوصیات اولیه محصول، ۳. تلاش برای ساخت مدل پیشرفته‌تر (در ارتباط با محصول موردنظر)، ۴. ارزیابی ثبوت اصول مالیه اسلامی در ارتباط با محصول موردنظر، ۵. آزمون محصول، ۶. تکمیل ویژگی‌های محصول براساس نتایج آزمون، ۷. بررسی مجدد ثبوت اصول مالیه اسلامی، با لحاظ نتایج عملی آزمون، ۸. تجدید ساختار محصول (در صورت نیاز)، ۹. قیمت‌گذاری محصول، ۱۰. تست بازاریابی و ۱۱. عرضه نهایی محصول (عبدالملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

۳. دیدگاه‌ها در مشروعیت محصولات مهندسی مالی متعارف

با وجود اینکه بررسی جامع و کاملی از نظر فقهی در مورد ابزارها و محصولات مهندسی مالی متعارف انجام نشده است، در ادامه تلاش شده است تا یک دسته‌بندی در مورد موافقان و مخالفان این ابزارها ارائه شود:

۳-۱. قراردادهای آتی

۳-۱-۱. ادله موافقان

اولین دلیلی که موافقان بیان می‌کنند این است که قرارداد تحویل آتی را به‌عنوان عقد غیرمعین (تعهد به بیع) تلقی می‌کنند قرارداد تحویل آتی را نمی‌توان بیع تلقی کرد زیرا در آن صورت، این بیع از نوع کالی‌به‌کالی است که مشهور فقهای شیعه آنرا صحیح نمی‌دانند ولی اگر به‌عنوان سند تعهد به بیع تلقی شود، می‌توان آنرا قابل انتقال اعلام نمود برخی دیگر نیز عقیده دارند که قراردادهای تحویل آتی به‌عنوان معاملات کالی‌به‌کالی تلقی نمی‌شود و اینکه قبض و اقباض شرط لازم است نه شرط صحت عقد و هر وقت قبض و اقباض انجام شود، معامله صحیح است و موقعی که انشاء کردند، بیع موجود شده است (مرادی، ۱۳۸۶، صص ۱۸ و ۲۱). سومین دلیل این است که قرارداد تحویل آتی را به‌عنوان عقد بیع مؤجل می‌دانند که طبق این عقد، طرفین موافقت می‌کنند که بیع را به‌صورت مؤجل (با تأخیر) انجام دهند بنابراین قرارداد تحویل آتی یک بیع مؤجل است. این بیع مطابق نظر شهید ثانی و با توجه به نظر حضرت امام خمینی (ره) بدون اشکال است و اصطلاحاً به این بیع، بیع نسبه به نسبه نیز می‌گویند (حسینی چالشتی، ۱۳۷۶، صص ۹۰-۹۵).

۳-۱-۲. ادله مخالفان

مفتی‌تقی‌عثمان، معتقد است این قراردادها به دو دلیل معتبر نیستند: اول اینکه طبق قاعده اصلی در اسلام ثمن و مثن نمی‌توانند هر دو مؤجل باشند؛ بنابراین، معاملات قراردادهای آتی در شریعت اسلامی معتبر نیستند. دوم اینکه در این قراردادها، تحویل

کالای مورد معامله در قرارداد مورد نظر نیست. در اغلب موارد این قراردادها بدون انجام معامله‌ای، پایان می‌پذیرد و طرفین فقط با عملیات بورس‌بازی از تفاوت قیمت‌ها سود می‌برند که این نیز در اسلام حرام است (عصمت‌پاشا، ۱۳۸۲، ص ۱۰). عبدالله نیز مهم‌ترین ایراد این قراردادها را عدم تحویل واقعی موضوع معامله می‌داند و بیان می‌کند که ویژگی منحصر بفرد این قراردادها این است که در آنها عملاً تسویه معامله به آینده موکول می‌شود چون خریدار و فروشنده، به ترتیب وارد تعهد تحویل پول و کالای مورد معامله در آینده می‌شوند، در نتیجه این نوع، به مبادله قرض به قرض یا بیع دین به دین تبدیل می‌شود. چنین بیعی طبق رأی تمام محققین و مکاتب فقه اسلامی، ممنوع است. همچنین قرارداد آتی، حرمت شرعی فروش شیء غیر موجود یا فروش موارد غرری را صریحاً، نقض می‌کند (Obaidullah, 2005, p.177). فهیم‌خان نیز می‌گوید باید در نظر داشت که قراردادهای آتی مدرن، مورد نهی صریح پیامبر (ص) بوده است. وی می‌افزاید: فلسفه اصلی ایجاد این قراردادها پوشش ریسک به وسیله کشاورزان بوده است؛ در حالی که امروزه کشاورزان نمی‌توانند با بورس‌بازان در بازار رقابت کنند؛ بدین سبب عمده بازیگران در این بازار، بورس‌بازان هستند و این انحراف از فلسفه اصلی ایجاد این بازارهاست (عصمت‌پاشا، ۱۳۸۲، ص ۱۰).

از دلایل دیگر مخالفان این بوده که گفته‌اند این قراردادها شبیه قمار هستند، پس باطل می‌باشند. چون همواره هم احتمال سود می‌رود و هم احتمال زیان، و قمار نیز چنین خاصیتی دارد. یا قاضی محمدتقی عثمانی می‌گوید علت اینکه تجار به قرارداد آتی نیاز دارند این است که می‌خواهند کالاها را برای مدتی نگهداری کنند و غرض آنها بیشتر احتکار است که غیر مشروع است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۷، صص ۲۳۸-۲۴۰).

۳-۱-۳. شروط و مشهور فقها

عقد صلح مناسب‌ترین عقد جهت قراردادهای آتی است. زیرا در مواردی که بیع مورد اختلاف فقها می‌باشد، در قالب عقد صلح می‌تواند مطرح گردد. به عنوان مثال به نظر حضرت امام خمینی (ره) معامله دین به دین در قالب عقد بیع باطل است ولی در قالب عقد صلح شرعی است (مرادی، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

جدول ۴. اختلاف نظرها درباره مشروعیت قرارداد آتی

افراد تأثیرگذار	شهید ثانی، امام خمینی (ره)، مرادی، عزیزی، حسین زاده	موافقان
استدلالات	<p>- قرارداد آتی بیع کالی به کالی نیست.</p> <p>- قرارداد آتی به عنوان عقد غیر معین (تعهد به بیع) است و قابل انتقال می باشد.</p> <p>- در قرارداد آتی تمام خصوصیات عوضین روی قرارداد ثبت شده پس شبهه غرر وجود ندارد.</p> <p>- قرارداد آتی عقد بیع مؤجل است.</p>	
مبنای اختلاف نظرها	<p>الف. اعتقاد به اصالت آزادی عمل برای انسان؛</p> <p>ب. اعتقاد به مداخلیت نیازهای بشری به قراردادهای مالی؛</p> <p>پ. اعتقاد به حجیت الگوهای اقتصاد متعارف.</p>	
افراد تأثیرگذار	محمدتقی عثمان، عبیداله، عبدالحمید رضوان، فهیم خان، عصمت پاشا	مخالفان
استدلالات	<p>- قرارداد آتی مصداق بیع کالی به کالی است.</p> <p>- انحراف از فلسفه ابداع این قراردادها و عدم تحویل کالای مورد معامله</p> <p>- وجود غرر در این قراردادها</p> <p>- شبهه وجود قمار</p>	
مبنای اختلاف نظرها	<p>الف. اعتقاد به اینکه این ابزار مصداق غرر و قمار دانسته شده است و از لحاظ موضوع شناسی رد می شود؛</p> <p>ب. اعتقاد به عدم حجیت الگوهای اقتصاد متعارف.</p>	
افراد تأثیرگذار	مشهور فقها، امام خمینی (ره)، مرادی	مشروط و مشهور فقها
استدلالات	اگر قرارداد آتی را به عنوان عقد صلح بگیریم از لحاظ شرعی صحیح می شود.	
مبنای اختلاف نظرها	اعتقاد به امکان استفاده از الگوهای اقتصاد متعارف، مشروط بر اینکه در قالب عقد صلح باشد	

۳-۱-۴. دیدگاه کمیته فقهی سازمان بورس

حجت‌الاه موسویان عضو کمیته فقهی سازمان بورس بیان می‌کند که برای قرارداد آتی دو تحلیل حقوقی وجود دارد، نخست اینکه قرارداد آتی یک بیع کالی به کالی است یعنی فروشنده مقدار مشخصی کالا را که در زمان معینی در آینده تحویل خواهد داد، می‌فروشد در مقابل خریدار آن کالا را که در آینده تحویل خواهد گرفت، می‌خرد و پول نیز در آینده مبادله می‌شود که نوعی بیع کالی به کالی است و از نظر فقه اسلام باطل است. تحلیل دوم اینکه در این قرارداد بیعی صورت نمی‌گیرد بلکه تعهد به بیع است یعنی یکی از طرفین متعهد می‌شود در آینده مقدار مشخصی کالا را بفروشد و خریدار متعهد می‌شود که آن را بخرد و معامله‌ای انجام نمی‌شود بلکه دو تعهد با یکدیگر مبادله می‌شود. با جمع‌بندی دیدگاه‌ها از نظر کمیته فقهی بورس، قرارداد آتی نوعی تعهد به فروش در مقابل تعهد به خرید است و مورد تصویب این کمیته می‌باشد (WWW.SENA.IR).

۳-۲. قرارداد اختیار معامله

۳-۲-۱. ادله موافقان

۳-۲-۱-۱. تشابه اختیار معامله و بیمه

در بیمه، بیمه‌گذار با پرداخت حق بیمه ریسک‌های احتمالی را به بیمه‌گر منتقل می‌کند و در صورتی که ضرری نباشد فقط حق بیمه خود را از دست داده است، در اختیار معامله نیز خریدار حق معامله، اگر بر اثر تغییر قیمت ضرری به او برسد ضرر را به فروشنده منتقل می‌کند و اگر قیمت تغییر نکند یا به نفع خریدار حق تغییر کند فقط حق معامله را از دست داده است (فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵).

۳-۲-۱-۲. تشابه اختیار معامله و قولنامه

قولنامه نوشته‌ای مبنی بر توافق دو طرف معامله بر انجام معامله می‌باشد که ضمانت اجرایی مبلغی است که از طرفی که از معامله سربازده، دریافت می‌شود و چون در

اختیار معامله نیز حق شرط را به عنوان ضمانت اجرایی می‌گیرند؛ این دو قرارداد با هم مشابهت دارند (مرادی، ۱۳۸۶، ص ۱۵؛ فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰، صص ۱۷۶-۱۹۶).

۳-۲-۱-۳. انتفاء غرر

برخی مانع اصلی صحت حق اختیار معامله را غرر می‌دانند که به علت وجود اطلاعات و استاندارد بودن قراردادهای جدید در بازارهای بورس، غرر منتفی و معامله صحیح است (رضایی، ۱۳۸۲، ص ۵).

۳-۲-۴. عقد اختیار به عنوان مصداق بیع حق

محمد مؤمن‌قمی معتقد است که در بیع، مثنی می‌تواند حق باشد و با بیع آن حق منتقل به غیر می‌شود و از اینرو خرید و فروش حق اختیار معامله صحیح است (صالح‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۷۹).

۳-۲-۲-۳. ادله مخالفان

۳-۲-۲-۱. فقدان برخی از شرایط بیع

احمد محیی‌الدین حسن دو ایراد به آن وارد می‌کند: اولاً خیار شرط تا سه روز مجاز است پس سررسید بیش از سه روز تحت عنوان فقهی خیار شرط، غیرقابل قبول است؛ ثانیاً خریداران اختیار معامله، سود بیشتری از فروشندگان آن می‌برند و این ستم است و اسلام با ستم مخالف است (عصمت‌پاشا، ۱۳۸۲، ص ۹). همچنین حق اختیار معامله را مشتمل بر ضرر فاحش دانسته و شروط موجود در آنرا فاسد و آنرا با قاعده «عدل در معاملات» متعارض می‌داند. وهبة‌الزحیلی بیان می‌کند که عقد اختیار شرایط بیع را ندارد. در بیع، مثنی باید مادی و محسوس باشد در حالی که در اختیارها حق شفعه و حق اختیار معامله حق محض هستند و قابلیت مثنی شدن ندارند و همچنین مثنی بیع نیز باید معلوم باشد در حالی که در اختیار معامله مثنی بر اساس عوامل غیرشرعی معین می‌شود (صالح‌آبادی، ۱۳۸۵، صص ۷۸-۸۰).

۳-۲-۲. اختیار معامله و بیع العربون

ابوسلیمان می‌گوید حق اختیار معامله قابل قبول است وقتی که تحت عنوان فقهی بیع العربون قرار می‌گیرد؛ اما اگر از دارایی اساسی پشتوانه آن خارج شود و فروشنده از فروش حق اختیار معامله درآمدی کسب کند، غیرقابل قبول است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۳۰۴).

۳-۲-۳. وجود غرر در اختیار معامله

از آنجا که اختیار معامله به‌عنوان ابزاری برای بورس‌بازی مورد استفاده قرار می‌گیرد و وضعیت آینده هم معلوم نیست، در آن نوعی غرر وجود دارد غرر در اثر کمبود اطلاعات و عدم شفافیت اطلاعات ایجاد می‌شود. بعضی عالمان معتقدند بازارهای مدرن این معاملات، با توجه به وجود قراردادهای استاندارد و وجود کنترل دیگر، غرر را منتفی ساخته است. از طرف دیگر، این دیدگاه رد می‌شود که هیچ تحویل فیزیکی صورت نمی‌گیرد و فقط یک توافق صورت می‌گیرد. افزون بر این، تغییر در ارزش اختیار معامله به تغییر در ارزش دارایی اساسی پشتوانه آن بستگی دارد و این تغییرات تصادفی نیستند (عصمت‌پاشا، ۱۳۸۲، صص ۹-۱۰).

۳-۲-۴. وجود قمار

علی‌المعبد الجراحی این نوع قراردادها را قمار بر قیمت‌های آینده دانسته است. قمار، معامله به قصد سود بر روی کالایی که هنوز در اختیار انسان نیست، می‌باشد. در حالی که در اختیار معامله، هیچ‌گونه معامله‌ای بر روی دارایی پایه انجام نمی‌شود بلکه در زمان سررسید یا اعمال می‌شود یا منقضی می‌شود. همچنین قمار، گرفتن چیزی بدون دادن مابه‌ازای آن است در حالی که در اختیارها مال گرفته می‌شود و در برابر آن حق اختیار معامله داده می‌شود (معصومی‌نیا، ۱۳۸۷، صص ۳۰۳-۳۰۴).

جدول ۵. اختلاف نظرها درباره مشروعیت اختیار معامله

افراد تأثیرگذار	ابوسلیمان، عصمت پاشا، فطانت و آقاپور، رضایی	
موافقان	<p>- تشابه اختیار معامله و بیمه</p> <p>- تشابه اختیار معامله و قولنامه</p> <p>- به علت وجود اطلاعات و استاندارد بودن قراردادها در بازار بورس، غرر منتفی می شود.</p> <p>- عقد اختیار معامله مصداق بیع، حق مالی دینی است.</p>	
مبنای اختلاف نظرها	<p>الف. اعتقاد به اصالت آزادی عمل برای انسان در معاملات اقتصادی؛</p> <p>ب. اعتقاد به مداخلت نیازهای انسانی در مورد تأیید این ابزار؛</p> <p>پ. قرارداد اختیار معامله مصداق بیع غرری است.</p>	
افراد تأثیرگذار	احمد محی الدین، وهبة الزحیلی، علی قره داغی، سمیر عبدالحمید، علی معبد الجراحی محمد مختار اسلامی	
مخالفان	<p>- فقدان برخی از شرایط بیع</p> <p>- اختیار معامله نوعی بیع العربون است.</p> <p>- در اختیار معامله غرر وجود دارد و وسیله ای برای بورس بازی است.</p> <p>- اختیار معامله قمار بر روی قیمت های آینده است.</p>	
مبنای اختلاف نظرها	<p>الف. اعتقاد به اینکه این ابزار به خاطر فقدان برخی از شرایط بیع و کمبود اطلاعات از لحاظ موضوع شناسی رد می شود؛</p> <p>ب. اعتقاد به عدم حجیت الگوهای اقتصاد متعارف به علت استفاده بورس بازان</p>	
مشروط و مشهور فقها	افراد تأثیرگذار	مشهور فقها مانند محمد مؤمن قمی، امام خمینی (ره)، فطانت و آقاپور
	استدلالات	اگر اختیار معامله را در قالب حق مالی دینی بگیریم صحیح می شود.
	مبنای اختلاف نظرها	اعتقاد به امکان استفاده از الگوهای متعارف، به شرط اینکه در قالب حق مالی دینی باشد.

۳-۲-۳. دیدگاه کمیته فقهی سازمان بورس

این کمیته درباره اختیار معامله نیز دو تحلیل حقوقی ارائه داده است، نخست اینکه اختیار معامله را نوعی بیع حق می‌دانند که در آن نوعی حق خرید و فروش معامله می‌شود و بیشتر فقهای اهل سنت به سراغ این دیدگاه رفته‌اند و با بررسی‌های فقهی مشخص شده که در آن ارکان و ضوابط بیع رعایت نشده است پس باطل می‌باشد. در دیدگاه دوم بیان شده که اختیار معامله مانند قرارداد آتی نوعی تعهد است یعنی فروشنده اختیار خرید یا فروش در مقابل گرفتن مبلغ مشخصی متعهد به فروش یا خرید می‌شود پس بیعی صورت نمی‌گیرد و ضرورتی برای به اجرا درآمدن ارکان و ضوابط بیع وجود ندارد و فقط اجرای ضوابط عمومی قراردادها مانند حرمت اکل مال به باطل، ضرری، جهالتی و ربوی نبودن کفایت می‌کند (WWW.SENA.IR).

۳-۳. قرارداد معاوضه‌ای**۳-۳-۱. ادله موافقان**

موافقان قراردادهای معاوضه‌ای بیان می‌کنند که هیچ شرط زیادتی در آنها وجود ندارد بلکه معامله‌گران به دنبال فرار از خطر کاهش ارزش پول یا فرار از خطر ضرر و زیان می‌باشند. همچنین این مبادلات، مبادله قدرت خرید ارزهای مختلف است و معامله‌گران به دنبال لزوم جبران کاهش ارزش ارز می‌باشند (معصومی‌نیا و بهاروندی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۸).

۳-۳-۲. ادله مخالفان**۳-۳-۱-۲. معاوضه‌ای‌ها مصداق پرداخت‌های بهره‌ای و غیر مشروع**

مهم‌ترین دلیل رد این قراردادها وجود شبهه ربا می‌باشد، چون قرارداد معاوضه‌ای متعارف شامل مبادله اصل (اغلب غیر واقعی) و پرداخت‌های ربوی است که هیچ جایگاهی در سیستم اسلامی ندارد در حالی که بررسی دقیق در ماهیت اسلامی قرارداد معاوضه‌ای نشان می‌دهد که این مبادلات، شامل مبادله دو وام (قرض) بی‌بهره، در

ارزهای مختلف است که در پایان دوره زمانی مشروط، توسط دو طرف بازپرداخت می‌شوند (Obaidullah, 2005, pp.197-199).

۳-۲-۲. مصادق بیع دین به دین

دو شخص حقیقی یا حقوقی هرکدام یک دارایی را فروخته‌اند و قرار است بهای آنرا در آینده معین و به صورت دو ارز گوناگون دریافت کنند. اینجا دو بیع تحقق یافته وجود دارد و پیش‌بینی می‌شود که نرخ ارز دریافتی تا زمان دریافت کاهش خواهد یافت از اینرو اصل و فرع دیون را مبادله می‌کنند. این معامله مصادق بیع دین به دین است که باطل می‌باشد (معصومی نیا و بهاروندی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶).

جدول ۶. اختلاف نظرها درباره مشروعیت قرارداد جبرانی

در قرارداد جبرانی هیچ شرط زیادتی وجود ندارد و این معاملات به دنبال جبران کاهش ارزش ارز هستند.	استدلالات	موافقان
الف. اعتقاد به اصالت آزادی عمل برای انسان در عمل به این قرارداد؛ ب. اعتقاد به مداخلت نیازهای انسانی در تأیید قرارداد جبرانی؛ پ. اعتقاد به حجیت عرف، چون در عرف نیز شاهد انجام معاملات ارزی به صورت قرارداد جبرانی هستیم پس پذیرفته می‌شود.	مبنای اختلاف نظرها	
عبدالله، معصومی نیا و بهاروندی	افراد تأثیرگذار	مخالفان
قرارداد جبرانی مصادق پرداخت‌های بهره‌ای و غیرمشروع است. قرارداد جبرانی مصادق بیع دین به دین است. در قرارداد جبرانی معاملات به یکدیگر وابسته هستند. در قرارداد جبرانی بخش غیر واقعی اقتصاد پررنگ‌تر می‌شود.	استدلالات	
الف. اعتقاد به عدم حجیت الگوهای اقتصاد متعارف؛ ب. قرارداد جبرانی مصادق بیع ربوی است و از لحاظ موضوع‌شناسی رد می‌شود.	مبنای اختلاف نظرها	

۳-۲-۳. وابسته بودن معاملات در قرارداد معاوضه‌ای

یکی از اصول شرعی این است که دو مبادله مالی نمی‌توانند با هم گره خورده باشند، به این معنی که نباید انجام مبادله اول پیش شرط ورود به مبادله دوم باشد با در نظر گرفتن این اصل چون قرض طرف اول پیش شرط پذیرش قرض طرف دوم است، معامله معاوضه‌ای مجاز نمی‌باشد (Obaidullah, 2005, p.199).

۳-۲-۴. پرتگ شدن بخش غیر واقعی اقتصاد

از جمله ایرادهایی که می‌توان وارد کرد این است که معامله بر روی این اوراق باعث ورود افرادی می‌شود که در پی کسب سود، به معامله‌های کاذب در بخش کاذب اقتصاد اقدام می‌کنند بدون اینکه عملیات تولیدی یا حرکتی در بخش واقعی اقتصاد صورت گیرد (معصومی نیا و بهاروندی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۸).

۴. محصولات مهندسی مالی اسلامی

با تخصصی شدن دنیای تجارت، محصول مالی جدیدی شکل می‌گیرد و هر ابزار جدیدی که ایجاد می‌شود، باید ارزش افزوده‌ای بیش‌تر از ابزارهای موجود پدید آورد تا بتواند به حیات خود ادامه دهد (عصمت‌پاشا، ۱۳۸۲، ص ۲). پس مهندسان مالی باید در طراحی ابزارها به مطلوب بودن محصولات از جهت قدرت نقدشوندگی بالا، ریسک کمتر و بازدهی بالا توجه بسیاری داشته باشند. مهندسی مالی اسلامی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علم اقتصاد مالی اسلامی، با استعانت از اصل اساسی اباحه‌عامه و ضمن رعایت اصول فرعی نفی ربا، نفی غرر، نفی ضرر و نفی اکل مال به باطل، قابلیت معرفی ابزارها و محصولات نوین مالی متناسب با نیازهای بازارهای مالی اسلامی را داراست (عبدالملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۹) که عبارتند از:

۴-۱. تورق

تورق از الورق به معنای «درهم‌های مضروبه» گرفته شده است و کلمه ورق در قرآن نیز به همین معنی آمده است: «... فَأَبْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ...» (کهف: ۱۹).

براساس دایرةالمعارف فقهی وزارتخانه وقف و امور اسلامی کویت، تورق اصطلاحی است که به معنای خرید یک کالا با پرداخت معوق (نسیه) و فروش آن به یک شخص دیگری غیر از فروشنده اول، به قیمتی پایین تر با پرداخت فوری (نقدی) است. تاریخچه استفاده از تورق در نظام بانکداری به اکتبر سال ۲۰۰۰ میلادی در بانکهای انگلیسی سعودی برمیگردد (قلیچ، ۱۳۹۱، ص ۶). برخی تورق را با بیع العینة یکی می دانند و به مقایسه آنها می پردازند در حالی که این دو با یکدیگر کاملاً متفاوت هستند.

در تعریف بیع العینة باید بگوییم که کسی کالای خود را به صورت نقد می فروشد و ثمن آنرا تحویل می گیرد؛ سپس آن کالا را به صورت نسیه مدت دار از خریدار می خرد و ثمن آنرا در آینده می پردازد (موسویان و احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴). پس در بیع العینة دو طرف در بیع وجود دارد و نفر اول (خریدار) همان نفر سوم (فروشنده) است در حالی که در تورق وجود نفر سوم که غیر از نفر اول باشد شرط اصلی می باشد.

در یک تقسیم بندی کلی می توان چهار نوع تورق را نام برد که عبارتند از: ۱. تورق سنتی در آن، سه نفر حقیقی در بازار با یکدیگر وارد معامله می شوند. نفر اول کالایی را به طور نسیه از نفر دوم می خرد و همان کالا را به طور نقد به نفر سوم می فروشد (قلیچ، ۱۳۹۱، ص ۶)؛ ۲. تورق جدید که بیشتر بین افراد و بانکها صورت می گیرد تا بین اشخاص حقیقی، به نامهای تورق سازمان یافته، منظم و یا متشکل نیز مشهور بوده و هدف اصلی آن، جذب و تخصیص نقدینگی با اهداف اقتصادی بانکها، نهادها و مؤسسات مالی می باشد. در تورق جدید، مشتری، کالایی را به طور اعتباری از یک بانک خریداری کرده و سپس خود بانک را وکیل در فروش آن کالا از جانب خود می کند. در نتیجه این فرآیند، فرد کالایی را که به طور اعتباری خریداری کرده، تحویل نگرفته و تنها پول را مستقیماً دریافت می کند. تفاوت مهم بین تورق سنتی و جدید این است که در تورق جدید، مشتری کالا را تحویل نمی گیرد و درگیر فروش آن نمی شود، اما در تورق سنتی، مشتری به راحتی می تواند بین نگه داشتن کالای خریداری شده و یا فروش آن انتخاب کند. علاوه بر این در تورق سنتی، نقدینگی حاصل برای مشتری از نیروهای بازار حاصل می آید؛ حال آنکه در تورق جدید، یک نوع تخمین روی قیمت زده

تحلیل تطبیقی آراء اندیشمندان مسلمان در مهندسی مالی اسلامی ۱۸۳

می‌شود و قرارداد با یک قیمت نقدی پایین بسته می‌شود (قلیچ، ۱۳۹۱، صص ۶-۷)؛
 ۳. تورق فردی، که در آن متورق یعنی فرد نیازمند نقدینگی (پول)، خودش کالای نسبی
 می‌خرد و آنرا به صورت نقدی به دیگری می‌فروشد و از این راه نیاز مالی خود را تأمین
 می‌کند (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۳)؛ ۴. آخرین نوع تورق، تورق منظم است که
 در آن وکیل متورق، عملیات تورق را برای مشتری (متورق) اینگونه انجام می‌دهد که
 کالا را نسبی به مشتری می‌فروشد، سپس وکیل مشتری برای فروش نقدی کالا به طرف
 دیگر می‌شود و ثمن نقدی را مشتری (متورق) می‌دهد. در این حالت به جز سه طرف
 ذکر شده، شخصی حقیقی یا حقوقی به عنوان وکیل متورق در این معامله حضور دارد
 در صورتی که شخص حقوقی وکیل متورق، بانک یا مؤسسه مالی باشد این قرارداد
 تورق بانکی یا منظم نامیده می‌شود (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

۴-۱-۱. بررسی فقهی تورق

عمده فقهای گذشته و اخیر تورق سنتی را پذیرفته‌اند و آنرا به دور از ربا دانسته‌اند. اما
 تورق جدید، به وسیله غالب فقهای معاصر منع شده است؛ تنها زمانی می‌توان از این
 نوع تورق استفاده نمود که شرایط و اصولی که برای آن تعریف شده است، به طور کامل
 رعایت گردد که عبارتند از: ۱. کالایی موجود باشد و قبل از فروش آن به مشتری، بانک
 صاحب آن کالا بوده و آنرا تحویل گرفته باشد، ۲. مشتری نبایستی کالا را بفروشد، مگر
 آنکه آنرا از بانک خریداری کرده و به طور قانونی آنرا دریافت نموده باشد، ۳. کالا نباید
 در فروش دوم به نفر اول بازگردد، زیرا این امر بیع‌العینه می‌شود و از لحاظ شریعت
 ممنوع است. به عبارتی، اگر بانک خودش آن کالا را به عنوان یک واسطه از مؤسسه
 مالی خریداری کرده باشد و آنرا به طور اقساطی به مشتری فروخته باشد، جایز نیست
 که آن کالا را به همان مؤسسه مالی اول بفروشد، ۴. هیچ منعی وجود ندارد اگر مشتری،
 بانک را برای فروختن کالا از جانب او وکیل خود کرده باشد، البته به شرطی که قرارداد
 نمایندگی و وکالت، غیروابسته به قرارداد فروش بوده و پس از توافق با بانک امضا شده
 باشد. به عبارتی، تورق به خودی خود ممنوع نیست، بلکه رعایت نشدن شرایط آن
 باعث ممنوعیتش می‌شود (قلیچ، ۱۳۹۱، صص ۱۲-۱۳).

۴-۲. استصناع

استصناع در لغت از باب استفعال از ماده «صنع» و به معنای طلب و سفارش ساخت چیزی است قراردادی است که به باعث آن یکی از طرفین، در ازای مبلغ مشخصی، ساخت و تحویل کالا یا طرح معینی را در زمان معین نسبت به طرف دیگر بر عهده می‌گیرد (موسویان، ۱۳۸۸، ص ۸۲). استصناع از دید عرف هم عبارت است از اینکه کسی با صنعتگر (مثل نجار) قرارداد ببندد که کالای مشخصی را در زمان معینی برایش بسازد (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۲۵۸) و در اصطلاح، خرید چیزی است به قیمت معین که طبق ویژگی‌های مورد توافق در زمان آینده ساخت یا احداث می‌شود؛ به بیان دیگر، موضوعی که عقد استصناع درباره آن منعقد می‌شود، غالباً در زمان عقد موجود نیست ولی توسط سازنده یا پیمانکار در آینده ساخته می‌شود (الزرقا، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

استصناع به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم یا موازی قابل انعقاد است: در صورتی که فرد قرارداد را با شخصیت حقیقی یا حقوقی برای ساخت مثلاً کارخانه یا آپارتمانی منعقد سازد و خود او عملیات ساخت را انجام دهد، استصناع مستقیم شکل می‌گیرد. ولی اگر این شخصیت حقیقی یا حقوقی برای ساخت با فرد حقیقی یا حقوقی دیگر قرارداد امضا نماید، در اینصورت استصناع غیرمستقیم یا موازی شکل می‌پذیرد (نظرپور، ۱۳۸۴، صص ۹۸-۱۰۰).

۴-۲-۱. بررسی فقهی قرارداد استصناع

۴-۲-۱-۱. ادله مخالفان

۱. گروهی چون شیخ طوسی به ظاهر قائل به بطلان قرارداد استصناع هستند و بیان می‌کنند که بر سازنده واجب نیست کالای ساخته شده را تسلیم مشتری نماید و از طرفی قبض کالا بر مشتری نیز لازم نیست در حالی که اگر عقد صحیحی بود نباید این گونه باشد، همچنین کالای سفارش شده، مجهول است و نه عین معلوم است و نه صفت آن و عقد بر مجهول ممنوع است. در حالی که امروزه خصوصیات سفارش از نظر قیمت و منافع طرفین کاملاً مشخص است و دلیلی بر بطلان وجود ندارد (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸).

۲. حدیث «لا یباع الدین بالدین»؛ گروهی استصناع را بیع دین به دین می‌دانند، در بیع دین به دین، مبیع یا مثن یا هر دو قبل از معامله دین باشند در حالی که در استصناع سازنده بدهی قبلی خود را نمی‌فروشد بلکه کالایی با اوصاف معین که در آینده ساخته می‌شود را می‌فروشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

۳. حدیث «نهی النبی عن بیع الکالی بالکالی»؛ در استصناع هم ثمن مدت‌دار است و هم مثن، پس بیع کالی به کالی است در حالی که اولاً این روایت از نظر سند ضعیف است همچنین اگر کالی را به معنای دین بگیریم قبلاً آنرا در حدیث «لا یباع الدین بالدین» توضیح دادیم (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸).

۴-۲-۱-۲. موافقان

در مقابل، گروه دوم اصل قرارداد استصناع را به عنوان قرارداد صحیح می‌پذیرند. از جمله این دلایل عبارتند از: ۱. استصناع مصداقی از بیع سلف؛ برخی از فقهای شیعه و فقهای شافعی، حنبلی و مالکی از اهل سنت، استصناع را از مصادیق سلف می‌شمارند و چون سلف را ابزار قابل قبول می‌دانند پس حکم به صحت استصناع می‌دهند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۰۹).

۲. استصناع به عنوان بیع مستقل؛ اکثر فقهای حنفیه از اهل سنت استصناع را در مقابل بیع نقد، نسبه و سلف می‌دانند و آنرا بیعی مستقل می‌دانند که از لحاظ شرعی صحیح می‌باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۶).

۳. استصناع در قالب عقد صلح؛ چنانچه بر فرض هم نتوان استصناع را به عنوان عقد مستقل و لازم اثبات کرد چون استصناع قراردادی ضروری می‌باشد آنرا در قالب عقد صلح می‌گیریم تا برای استفاده مشکل فقهی نداشته باشد (موسویان، ۱۳۸۸، ص ۸۵).

۴-۳. صکوک

امروزه روش تأمین مالی با نرخ بهره ثابت در نظام مالی سرمایه‌داری رایج است و در سطح بسیار گسترده‌ای از ابزارهای بدهی تأمین مالی که مهم‌ترین آنها، اوراق قرضه

است، استفاده می‌شود. استفاده از این ابزارها در نظام مالی اسلامی ربوی و مردود است (صالح آبادی، ۱۳۸۵، ص ۳). قانون اسلام مسلمان‌ها را از دریافت و پرداخت ربا منع کرده است. بنابراین در کشورهایی که جمعیت مسلمان فراوانی دارند، استفاده از ابزارهای مالی متعارف، کارایی و مقبولیتی ندارد. براین اساس دولت‌ها و شرکت‌های اسلامی فعال در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی که به دنبال تأمین مالی و مدیریت بدهی خود هستند، نیازمند یافتن جایگزین‌هایی مطابق با اصول اسلامی هستند (سروش و صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸). پس ابزار مالی جدیدی که اوراق بهادار اسلامی یا صکوک نامیده می‌شود را طراحی کردند.

فرهنگ «المنجد» واژه «صک» را کتاب، نامه و رسید دریافت پول و... ترجمه کرده است. دایره‌المعارف «قاموس عام لکل فن و مطلب» در این رابطه چنین بیان می‌کند: صک به معنای سند و سفته (سفته) است و معرب واژه چک در فارسی است. اعراب این واژه را توسعه دادند و آنرا بر کلیه انواع حوالجات و تعهدات بکار بردند (نجفی، ۱۳۸۵، صص ۲-۳).

در اصطلاح طبق تعریف سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، صکوک، گواهی‌هایی با ارزش اسمی یکسان هستند که بعد از عملیات پذیره‌نویسی، بیانگر پرداخت مبلغ اسمی آن به وسیله خریدار به ناشر آن است و دارنده آن، مالک یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها و منافع حاصل از آن است و از آن به‌عنوان داشتن حقوق مشخص و قطعی در سهام و نیز در حقوق دارایی‌های مشهود، خدمات و دارایی‌های زیربنایی، یا داشتن حقوق در یک پروژه خاص یا در یک فعالیت سرمایه‌گذاری خاص استفاده می‌شود (Adams & Thomas, 2004, p.44; Arsalan Tariq, 2004, pp.22-23).

تاریخچه صکوک به خلفای اول اسلامی برمی‌گردد و در ادبیات تجاری اروپا به نام (چک) شناخته شده است. مطابق تحقیقاتی که کارشناسان قرون وسطی مانند والتر، فیشل و آبراهام آدویوچ انجام دادند این اصطلاح در حوزه تجارت بین‌الملل در کشورهای اسلامی در کنار (سفته) بکار می‌رفته است (Adams & Thomas, 2004, p.43). ایده اولیه انتشار اوراق بهادار اسلامی به دهه ۱۹۸۰ میلادی برمی‌گردد. در آن زمان تلاش‌های زیادی توسط بانک‌های اسلامی جهت غلبه بر مسئله نقدینگی صورت

گرفت. قحف، الگاری، زرقا، حق و عباس ایده‌های اصلی در زمینه انتشار صکوک را ارائه نمودند. واژه صکوک برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ میلادی در جلسه فقهی بانک توسعه اسلامی برای ابزارهای مالی اسلامی پیشنهاد شد (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۴۳۷).

متفکران مسلمان توانستند با رعایت ضوابط شرعی و متناسب با نیازهای واقعی جوامع اسلامی، انواعی از ابزارها را طراحی نمایند این ابزارها که برخی بیش از ده سال تجربه عملی دارند و برخی در حد فکر و ایده هستند به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. ابزارهای مالی غیرانتفاعی که بر اساس قرارداد خیرخواهانه و جهت تأمین مالی اهداف خیرخواهانه طراحی شده‌اند مانند اوراق قرض‌الحسنه و وقف؛ ۲. ابزارهای مالی غیرانتفاعی با نرخ سود انتظاری جهت سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز مانند اوراق مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، وکالت خاص، وکالت عام؛ و ۳. ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ‌های سود معین و برای سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر مانند اوراق مرابحه، اجاره، استصناع، منفعت، سلف، جعاله (موسوی، ۱۳۹۱، صص ۱۰۳-۱۰۴؛ موسویان، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

نقدی که اخیراً بر صکوک وارد کرده‌اند این بوده که اطلاعات جهت استفاده از صکوک برای سرمایه‌گذاری از شفافیت کافی برخوردار نیست. با توجه به عملکرد صکوک و اینکه طرفین با آگاهی کامل از ماهیت انواع صکوک، مدت دوره معامله، میزان سود و ... وارد معاملات آن می‌شود، پس هیچ‌گونه ابهامی وجود ندارد بلکه شفافیت اطلاعات از مزایای اوراق صکوک می‌باشد زیرا این اوراق با پشتوانه دارایی فیزیکی صادر می‌شود نه دارایی مالی، همچنین حقوق و مسئولیت‌های خریداران و فروشندگان اوراق باید در زمان پذیره‌نویسی شفاف، روشن و مشخص باشد.

جمع‌بندی

با توجه به رشد روزافزون بازار سرمایه جهانی و گستردگی نیازهای سرمایه‌گذاران، ضرورت طراحی ابزارهای جدید متناسب با این نیازها بیشتر مشاهده می‌شود و چون اقتصاد مالی اسلامی نیز نباید در مسیر این سیر صعودی پیشرفت عقب بماند، پس با

ایجاد دانش مهندسی مالی اسلامی، نیازهای سرمایه‌گذاران اسلامی را برآورده سازد و از راکد ماندن سرمایه‌های این افراد جلوگیری نماید. در این مقاله سعی کرده‌ایم تا با روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای نوعی تحلیل تطبیقی بین مهندسی مالی متعارف و اسلامی انجام دهیم و ابزارهای مهندسی مالی متعارف را مورد جرح و تعدیل و بررسی فقهی قرار دهیم. به‌خاطر اینکه نیاز به این ابزارها کاملاً واضح و شفاف می‌باشد، در نهایت ابزارهای مالی طراحی شده توسط مهندسان مالی اسلامی که علاوه بر داشتن کارایی و مقبولیت بالا، با شریعت اسلام نیز مطابقت دارد را معرفی نماییم.

آنچه از این تحقیق می‌توان استنتاج نمود این می‌باشد که با وجود اختلاف نظرهایی که در مورد ابزارهای بازار سرمایه طراحی شده توسط مهندسان مالی وجود دارد ولی کمتر کسی نیاز به ابزارها را انکار نموده است و هر اندیشمندی از زاویه دید خود به بررسی ابزارهای متعارف پرداخته، اما آنچه درنهایت می‌توانیم بیان کنیم این است که با توجه به نظر مشهور فقها، می‌توان اوراق اختیار معامله را در قالب حق مالی، قرارداد آتی را در قالب عقد صلح و قرارداد معاوضه‌ای را به‌عنوان ابزاری برای جبران کاهش ارزش پول مورد استفاده قرار داد و به بازار عرضه نمود. در این صورت نه تنها با شرع تعارض ندارند بلکه از راکد ماندن سرمایه‌ها جلوگیری شده و سرمایه‌گذاران را در مقابل ریسک تغییر قیمت‌ها حفظ نمایند. علاوه بر این ابزارها، ابزارهای طراحی شده توسط مهندسان مالی اسلامی مانند تورق، استصناع و انواع صکوک نیز در بسیاری از موارد می‌توانند جایگزین‌های مناسبی برای آن‌ها باشند.

کتابنامه

- اقبال، منور و خان، طریقاله (۱۳۹۱)، *مهندسی مالی و قراردادهای اسلامی*، ترجمه مؤسسه مرور وقایع جهان: پرویز قائمی و آریتا گل زاده قشلاقچایی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ اول.
- اکبریان، رضا و دیانتی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۶، ش ۲۴.

تحلیل تطبیقی آراء اندیشمندان مسلمان در مهندسی مالی اسلامی ۱۸۹

- بقایی حسین آبادی، علی (۱۳۷۸)، «مهندسی مالی، رویکردی جدید برای توسعه بازارهای مالی»، *مجله توسعه مدیریت*، دوره اول، ش ۴.
- جوادیپور، مهران (۱۳۷۹)، «مهندسی مالی»، *مجله حسابدار*، دوره ۱۷، ش ۱۴۰.
- حسینی چالشری، سیدمحسن (۱۳۷۶)، «امکان سنجی قرارداد تحویل آتی در نظام مالی اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- راعی، رضا و سعیدی، علی (۱۳۹۱)، *مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چ ۷.
- الزرقا، انس (۱۳۸۰)، «گواهی استصناع (سفارش ساخت)»، ترجمه محمد زمان رستمی، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره اول، ش ۱.
- سروش، ابوذر و صادقی، محسن (۱۳۸۶)، «مدیریت ریسک اوراق بهادار اجاره (صکوک اجاره)»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۷، ش ۲۷.
- سلیمان پور، محمدجواد (۱۳۸۲)، «قراردادهای مالی جدید در اسلام»، *مجله اقتصاد اسلامی*، دوره ۳، ش ۱۱.
- شایان آرانی، شاهین (۱۳۷۹)، «مهندسی مالی»، *مجله بانک و اقتصاد*، دوره ۳، ش ۱۵.
- شهابی، محمود (۱۳۴۱)، *قواعد فقه*، تهران: نشریات فرید، چ ۵.
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۵)، *مجموعه مقالات بازارهای مالی اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۱.
- عبدالملکی، حجت اله (۱۳۸۸)، «تحلیل نقش مهندسی مالی اسلامی در تأمین مالی توسعه نهاد قرض الحسنه»، *مجموعه مقالات برگزیده سمینار قرض الحسنه نهاد اقتصاد اسلامی*، تهران: مؤسسه مهر امام رضا (ع).
- عصمت پاشا، عبدالله (۱۳۸۲)، «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مشتقه و دیدگاه‌های فقهی آن»، ترجمه علی صالح آبادی، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۳، ش ۹.
- فطانت، محمد و آقاپور، ابراهیم (۱۳۸۰)، *اوراق اختیار معامله (Option) در بازار سرمایه ایران*، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول.
- قلیچ، وهاب (۱۳۹۱)، «تورق چیست»، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۳)، *قواعد فقه (بخش مدنی)*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۹.

محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، *قواعد فقه*، تهران: مؤسسه نشر یلدا، چ ۲.
مرادی، مهدی (۱۳۸۶)، «اوراق اختیار معامله، قرارداد تحویل آتی و قراردادهای اسلامی مشابه به آن‌ها»، *مجله دانش و توسعه*.

مرفاتی، سید طه (۱۳۸۶)، «اصل برائت و قانون مجازات مبتنی بر آراء آیت‌اله خلیل قبله‌ای خوبی»، *کیهان فرهنگی*، دوره ۲۴، ش ۲۵۵.
مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹)، *فرهنگ نامه اصول فقه*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

معصومی‌نیا، غلام‌علی (۱۳۸۷)، *ابزارهای مشتقه بررسی فقهی و اقتصادی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲.

همو و بهاروندی، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی فقهی قراردادهای پوشش ریسک دارایی‌های ارزی»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۸، ش ۳۱.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰)، *القواعد الفقهیه*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چ ۳، ج ۲ او ۲.

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۲)، *قواعد فقهیه*، تهران: نشر میعاد (مؤسسه اسلامی ولی امر (عج)).

موسوی، سید محسن (۱۳۹۱)، «تاریخچه طراحی و توسعه صکوک اجاره در جهان و ایران»، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، ش ۱۳۶.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶)، «صکوک مزارعه و مساقات ابزار مالی مناسب برای توسعه بخش کشاورزی ایران»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۷، ش ۲۶.

همو (۱۳۸۸)، «مهندسی مالی عقود در بانکداری اسلامی»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۹، ش ۳۵.

همو (۱۳۹۱)، *بازار سرمایه اسلامی (۱)*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.

همو و احمدی، سعید (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی مدل‌های عملیات کارت اعتباری در بانکداری اسلامی»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۱۱، ش ۴۳.

تحلیل تطبیقی آراء اندیشمندان مسلمان در مهندسی مالی اسلامی ۱۹۱

نجفی، مهدی (۱۳۸۵)، «بررسی فرآیند تأمین مالی از طریق انتشار اوراق صکوک»، ماهنامه بورس، دوره ۱۱، ش ۵۳.

نظریور، محمدنقی (۱۳۸۴)، «اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری مناسب برای سیاست پولی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، دوره ۵، ش ۲۰.

نظریور، محمدنقی؛ یوسفی، محمدرضا و سجادی، محسن (۱۳۹۱)، «عقد تورق برای تأمین نقدینگی از منظر فقهای امامیه»، مجله فقه اهل البیت، دوره ۱۸، ش ۶۹.

واعظ برازانی، محمد؛ دلالی اصفهانی، رحیم و آل بوسویلم، مسلم (۱۳۸۸)، «مهندسی نظام تأمین مالی اسلامی»، پنجمین همایش بین‌المللی تأمین مالی اسلامی، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.

هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸)، «استصناع (سفارش ساخت کالا)»، مجله فقه اهل البیت، دوره ۵، ش ۲۰.

Adams J., Nathif & Thomas, Abdulkader (2004), *Islamic Bonds: Your Guide to Issuing Structuring and Investing in Sukuk*, Euromoney Books.

Arsalan Tarig, Ali (2004), *Managing Fainancial Risk of Sukuk Structure*, International Banking A dissertation of Master of Science Loughborough University UK.

Hull, John (1993), *Option, Futuers and other Derivative Securities*, 2th Editions, Prentice- Hull International Edition.

Obaidullah, Mohamad (1998), *Financial Engineering with Islamic Options*, Islamic Economic Studies, Vol. 6, No. 1.

Id. (2005), *Islamic Financial Services*, King Abdul-Aziz University, Jeddah: saudu Arabia.

Suwailam, Sami(2007), *Financial Engineering: An Islamic Perspectives*, Journal Sinergi, Vol 9. No 1.

WWW.SENA.IR

